تحلیل محتوای کتابهای مطالعات اجتماعی و جغرافیای دوره اول متوسطه براساس مؤلفه‌های آموزش جهانی

علی میکائیلی[۱]
دکتر وحید معتمدی[۲]

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی مؤلفه‌های آموزش جهانی در کتابهای مطالعات اجتماعی و جغرافیای دوره اول متوسطه و شناسایی مؤلفه‌ها، به منظور اعتلای کیفی و کمی آموزش و پرورش و نوآوریهای علمی در عرصه تعلیم و تربیت بوده است. پژوهش با توجه به تحلیل فرهنگی محتوای کتابهای مطالعات اجتماعی و جغرافیای دوره اول متوسطه انجام گرفته است و در تدوین شاخصهای مؤلفه ای آموزش جهانی نسبت به گردآوری اطلاعات از صاحب‌نظران تعلیم وتربیت بهره‌گیری شده است. پژوهش از لحاظ هدف در زمره تحقیقات بنیادی و از نظر گردآوری داده‌ها، توصیفی است و براساس روش تحقیق آمیخته (کمی و کیفی) انجام شده است. نتیجه بررسی پژوهش در مؤلفه‌های چهارگانه این است که میان فراوانی مؤلفه‌های آگاهی از نظامها و آگاهی از چشم انداز، در کتابهای مطالعات اجتماعی و جغرافیا از لحاظ فرهنگی تفاوت معنادار وجود دارد و میان فراوانی مؤلفه مسئولیت پذیری و ذهنیت فرآیندی ازلحاظ فرهنگی تفاوت معنادار وجود ندارد. ضرورت دارد که مؤلفه آگاهی از نظامها به سایر کتابها نیز تسری یابد و اهدافی که مناسب هستند در کتابهای گوناگون آموزشی گنجانده شوند. همین شناخت مؤلفه‌های آموزش جهانی موجب خواهد شد تا ویژگیهای فردی و توانایی دانش آموزان و برنامه‌های آموزشی به صورت هدفمند در پرورش آنان اثر گذار باشد.

کلید واژگان: آموزش جهانی، تحلیل محتوا، جغرافیا، مطالعات اجتماعی

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۲۷ تاریخ پذیرش: ۹۵/۸/۱۶

۱. کارشناس ارشد رشته فلسفه تعلیم وتربیت و کارشناس مسئول دفتر برنامه‌ریزی و توسعه علمی دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول)
mikaeli253ali@gmail.com
۲. استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی vmotamedi@khu.ac.ir

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.2.1.7]

مقدمه

جهان نیازمند آگاهی از اهداف و برنامه‌های درسی نظامهای آموزشی از لحاظ فرهنگی است. هدف مؤلفه‌های جهانی نیز در محتوای فرهنگی کتابهای درسی، پی بردن به واقعیت موجود در راستای حرکت مؤثر برای پیشبرد اهداف آموزشی است. هر هدف به منظور اصلاح روشهای تأثیرگذار در کتابهای درسی است و نگاه فـــــراگیر نسبت به مسائل پیرامونی در آموزش جهانی و شناخت مؤلفه‌ها با چشم انداز واقع بینانه از جهان ترسیم می‌شود. آموخته‌های فراگیران با توجه به نگاه جهانی به فرهنگ هر جامعه شکل می گیرد و فراگیر متوجه می‌شود که تنها در یک نظام آموزشی بستهٔ محلی دانشی را فرا نمی گیرد، بلکه ارتباط فرهنگی در محتوای کتابها نیز آنان را به کوشش بیشتر برای پیشرفت و رشد علمی وا می دارد.در واقع جهان پیش روی ما، در حال تحول و دگرگونی است. علوم هرروز در حال تغییر برای مطلوب شدن و حرکت به سوی علوم جدید است، بنابراین باید با توجه به تحولات و پیچیدگیهای جهان امروز، توانایی فائق آمدن بر آنها را از طریق فرهنگ به دست آوریم. این هم میسر نیست، مگـــر اینکه مؤلفه‌های جهانی را در محتوای کتابهای درسی مورد بررسی و کنکاش قراردهیم. نظام آموزشی کارآمـــــــد درجهت رشد و شکوفایی فرهنگ علم و دانش در عرصه جهانی تلاش می کند و فراگیران نیز در تعلیم وتربیت با برنامه‌های فراملی و متناسب با اهداف آموزشی و مؤلفه‌های جهانی در جامعه پرورش می‌یابند. در چنین شرایطی طراحی آموزشی و برنامه‌ریزی دقیق و جهانی در علم روز ما را بسیار کارآمد خواهد کرد. پژوهش حاضر به منظور برون رفت از ناکارآمدی و رفع نواقص موجود در نظام آموزشی است. به بیان ساده تلاش درتحقیق و مؤلفه های مورد بررسی کمک می کندتا مشکلات ناکارآمدی درنظام آموزشی بهبود یابد (علاءالدین،[1] ۱۹۸۹).

هدف از آموزش جهانی یادگیری تواناییها و مهارتهای لازم برای زیستن در جهان متغیر و متنوع کنونی است و آنچه در این شرایط دارای اهمیت است توجه به واقعیتهای موجود در عرصه‌های گوناگون به ویژه در نظام آموزش جهانی است. باید بدانیم که الگوی فرهنگ حاکم بر جامعه برای برقراری ارتباط میان فرهنگ جوامع جهانی در پیشرفت نظام آموزشی، گامی اساسی برمی دارد و آن را برای تسری بخشیدن به آموزشی به سوی فرهنگ جامعه سوق می دهد تا علم روز متناسب با داشته های فرهنگی رشد کند.

1. Alladin

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.2.1.7]

بیان مسئله

اصلی ترین چالش این پژوهش، نظام آموزش و پرورش و روند روبه رشد و توسعه علم و دانش و فرهنگ، برنامه ریزی متناسب با اهداف و برنامه‌های فرهنگی در آموزش جهانی و گنجاندن معیار فرهنگی در محتوای کتابهای درسی است، بنابراین ضرورت دارد که این مؤلفه‌ها در کتابهای درسی، به ویژه در دوره اول متوسطه گنجانده شوند، زیرا در این سالها شخصیت دانش آموزان درحال شکل گیری است و آنان در پی شناخت فرهنگ خود هستند. علاوه بر اهداف تربیتی در مؤلفه‌های جهانی و برنامه‌ریزی درسی، ابعاد فرهنگی گوناگون زمانی، مکانی و مسائل درونی نیز مد نظر بوده است، به ویژه اینکه هدف از مؤلفه‌های جهانی "آگاهی از نظامها، آگاهی از چشم انداز، مسئولیت پذیری و ذهنیت فرآیندی در سیستم آموزشی به شکل واقع بینانه در چارچوبی مشخص و برای رسیدن به رشد و شکوفایی است" (علم الهدی، ۱۳۸۵).

آموزش و پرورش با گسترش روزافزون ارتباطات در سراسر جهان روبه رو است و چالش اساسی در نظام آموزشی، منطبق کردن فرهنگ جامعه با الگوها و هدفهاست. نادیده گرفتن مؤلفه‌های جهانی و نپذیرفتن واقعیت موجود، سبب دور شدن فرهنگها از اصل موضوع خواهد شد. نظام تربیتی و آموزشی باید برای دستیابی به هدفهای موجود و برنامه‌ریزی مطابق با نیازهای درون جامعه، در محتوای کتابهای درسی تغییر ایجاد نماید. همین امر سبب روند رو به رشد فرهنگ در نگاه علمی خواهد شد. پس توسعه همه جانبه در نظام آموزشی، به سبب ظهور فناوریهای نوین و به کارگیری آن در نظام آموزشی برای ایجاد تغییر در بهبود وضع موجود ضروری به نظر می‌رسد و تأثیر فرهنگ در مؤلفه‌های جهانی بر اهداف و محتوای کتابهای درسی در نظام آموزش وپرورش کشور می تواند با برنامه ریزی متناسب با شرایط زمانی و مکانی، گامی مثبت در روند برنامه ریزی آموزشی تلقی شود. انتظار از نظام آموزشی در دوران مدرن بررسی همان مؤلفه‌های جهانی و همچنین شناخت فرهنگ جامعه است و چه بسا بخشی از بحرانهای موجود حاصل کاستیهای همین تعلیم وتربیت دوران مدرن است. بر همین اساس آموزش جهانی ناظر بر تحولات مشترک و جهانی است که برای تغییر دادن وضع موجود در زمینه آموزش و فرهنگ شکل گرفته است. از دیدگاهی دیگر وقتی کسی دربرابر سؤالی قرار می گیرد که دانستن آن از نظر مادی با ندانستن آن مساوی است، چنین جوابی می‌تواند بدهد: انسان همواره جویای شنیدن و یافتن است .پژوهش اززمان خلقت آدم تا امروز وجود داشته که دربرهه‌های خاصی معانی و مبادی مختلفی یافته است (هوانسیان، ۱۳۹۰).

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.2.1.7]

در دنیای امروز عقیده براین است که باید تفکر جهانی داشت اما به شیوه ای بومی این تفکرات را پیاده کرد. این امر به معنای بومی‌سازی تفکرات و اندیشه‌های جهانی نیز هست. پس مؤلفه‌های آموزش جهانی پدیده ای هستند نسبتاً جدید، هرچند تأثیراتی اساسی بر فرهنگ افراد و جوامع دورافتاده ترین بخشها می‌گذارند. در ایران نیز بسیار مفید و مؤثر بوده و به طور کلی بر حوزه فرهنگ، به ویژه بر تعلیم وتربیت تاثیر گذار بوده است. از سویی نیز مؤلفه آموزش جهانی و اهداف آن امری کلی و ضروری است که درک آن از حرکت رو به رشد جوامع مختلف با دانش روز همراه بوده و هیچ کشوری نمی تواند خود را از واقعیتها و چشم انداز و مسئولیت پذیری در پیشرفت علم و فناوری به دور نگهدارد (ضرغامی،۱۳۸۸).

نظام آموزشی باید خود را با روند رو به رشد علم و فناوری روز مجهز کند. شناخت مؤلفه‌های جهانی شدن فرآیندی رو به گسترش است که تمامی عرصه‌ها را درنوردیده و همهٔ کشورهای جهان را به طریقی درگیر کرده است و جهان را تبدیل به دهکده ای کرده که درآن وظیفه مرزها حداقل تعیین قلمرو کشورهاست و همه چیز در دنیای بین الملل و جوامع درحال انتقال است (ضرغامی،۱۳۸۶). آموزش وپرورش باید همه جوانب زندگی آدمی را در بر گیرد و در جهانی که فناوری درآن شتابان تغییر می کند و دانش به صورت روزافزون تولید می شود، بتواند بیش از مجموعه ای خاص از اطلاعات را تعلیم دهد و به بسط و شکوفایی قابلیتهای آدمی بپردازد. آثار بسیاری به صورت کتاب و متون درسی در دانشگاهها و مراکز آموزشی منتشر شده است که به‌تدریج در شکل‌گیری و تدوین اهداف، برنامه‌ها و روشهای تربیتی میهن عزیزمان در نیم قرن اخیر تاثیری بسزا گذاشته که با تولید افکار تربیتی مستقل با مطالبات و تحولات فرهنگی کشورمان همخوانی داشته است. مجموعه تفکرات و آرای عقاید تربیتی دانشمندان قدیم و جدید سایر ممالک جهان و بهره گیری بی چون وچرا از آنها، نتوانسته در روند جهانی آموزش و پرورش نقشی موثر ایفا کند. به نظر می رسد کوتاهی در تهیهٔ محتوای کتابهای درسی از نظر فرهنگی بوده که امکان به چالش کشیدن نظام آموزشی رو به رشد را محدود یا کم اثر کرده است، به گونه ای که نه تنها روشهای تربیتی را در دانش آموزان تقویت نکرده بلکه چندان هم کارساز نبوده است و برای محتوای درسی و امکان تفکر خلاق متناسب با علم و آگاهی با مسیر مشخص همراهی نکرده است. در چنین شرایطی که برخی آن را به معنای بازنگری و دگرگونی محتوای فرهنگی در نظام آموزشی، سازمان و هدف مدرسه تلقی می‌کنند. برخی، رسالت تعلیم و تربیت را آشنا کردن یادگیرندگان با

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.2.1.7]

مسائل جهانی و روابط بین الملل می‌دانند و آموزش جهانی را درحکم انتخاب و گنجاندن برخی مسائل جهانی در برنامه درسی دوره دبیرستان تلقی می‌کنند (علاالدین، ۱۹۸۹).

حکیم زاده (۱۳۸۵) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی مبانی فلسفی در آموزش جهانی"، نشان می‌دهد که از دیدگاه وی برنامه‌های آموزش جهانی و مؤلفه‌های آن درواقع همانند هستی یک مجموعه به‌هم پیوسته و درهم تنیده است که همه اجزای آن با یکدیگر در تعامل هستند و برهم اثر می‌گذارند. ناگفته نماند که فرهنگ جوامع نیز چنین تأثیر گذار است.

درانی (۱۳۸۴) در پژوهشی تحت عنوان "مدرسه آینده در آینده نگری نظم نوین جهانی" یکی از ویژگیهای برجسته دوران حاضر را تغییر شتابنده و گریز ناپذیر در همه عرصه‌های زندگی می‌داند. درانی در این پژوهش به این نتیجه رسیده که نظام آموزش و پرورش به منزله مؤلفه ای از دهکده جهانی باید همسو با حرکت جهانی شود و در پی آماده سازی این انسانها برای زیستن در دنیـــــــای امروز و آینده باشد. به عبارت دیگر در این حرکت رو به رشد جهانی، فرهنگ جوامع نیز تاثیر گذار بوده است، یعنی رشد فرهنگی همگام با رشد جهانی در بهتر زیستن انسانها موثر خواهد بود .

فوجی‌کان[1] (۲۰۰۳) نیز آموزش جهانی را آموزش در راستای مسائل جهانی مانند تغییرات محیط زیست و درگیریهای میان- فرهنگی دانسته است. او همچنین به واردکردن مسائل جهانی در برنامه درسی اشاره می‌کند تا بدین وسیله شهروندان توانایی پاسخ دادن به مسائل جهانی را داشته باشند. درواقع او هدف آموزش شهروند جهانی را آماده‌سازی دانش آموزان برای زندگی در جامعه درحال تغییر می‌داند.

تای[2] (۲۰۰۳) در تحقیقی تحت عنوان "عشق، صلح و خردمندی در آموزش" که یکی از چالشهای قرن بیست و یکم در ارتباط با ملل جهان بیان شده است، اظهار می‌دارد که همه باید برای صلح در جهان و برقراری ارتباط جهانی تلاش کنند و برای آموزش و دوستی ملل کمر همت ببندند تا عشق و مهر و عقلانیت جای جنگ و ستیز را بگیرد و ملل جهان با آرامش در کنار هم با صلح و دوستی و فرهنگ متناسب با مناطق و هویت خود ادامه حیات دهند و این احترام متقابل به فرهنگهاست.

1. Fujikan
2. Tye

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.2.1.7]

لین[1] (۲۰۰۶) بر عنوان شدن آموزش جهانی برای تربیت شهروندان جهان و اهمیت برنامه‌های درسی جهان‌نگر در سراسر جهان در برنامه‌ریزی درسی تاکید می‌کند.یعنی شهروندان با نگاه فراگیر جهانی بتوانند با همدیگر ارتباط مسالمت آمیز داشته باشند و نگاه جهانی را در برنامه‌های تعلیم و تربیت بگنجانند. آموزش جهانی، آموزش را تلاش برای ایجاد تغییر در روشها و نظام تعلیم و تربیت برای آماده کردن فراگیران به منزلهٔ شهروندی برای عصر کنونی تعریف می‌کند.

هدف برنامه در مؤلفه‌های آموزش جهانی، یادگیری تواناییها و مهارتهای لازم برای زیستن در جهان متغیر و متنوع است، زیرا هدف اصلی از مؤلفه‌های آموزش جهانی، اصلاح نگرش یادگیرندگان به درهم تنیدگی وقایع، نظامها، فرهنگها، جوامع و مؤلفه‌های زندگانی است (علم الهدی،۱۳۸۳).

پویندگان راه اصلاحات فرهنگی و پیشگامان نهضتهای تربیتی و علمی جهان بر این باورند که هیچ‌گونه تحول در قلمرو آموزش وپرورش امکان پذیر نبوده است مگر با بهره‌گیری از آرای تربیتی متقدمان و پویندگان که شالوده‌های نظری و فکری محکم و استواری را برای تحولات فرهنگی و آموزشی فراهم کرده اند. بررسی سیر تحولات آموزش و پرورش نشانگر آن است که یک مضمون فکری منسجم که بنیادهای نظری و مؤلفه‌های آموزش جهانی و اجتماعی را برای حرکت اصلاح‌گونه آموزش وپرورش ترسیم کند، به‌صورت فعال عمل ننموده است. حاصل اغلب تلاشها، طی دوره نسبتاً طولانی، بیشتر محدود به ترجمه و تالیف وانتشار صدها کتاب درسی و مقالات علمی درزمینه معرفی و شناسایی آرای تربیتی متقدمان بوده است. شکل‌گیری و تدوین اهداف برنامه‌ها، در نیم قرن اخیر از آثار و متون درسی دانشگاهها و مراکز آموزشی تأثیر پذیرفته است. برنامه‌ریزی و اصلاحات آموزشی که صرفاً براساس نگاه وتفکر برنامه ریزان آموزشی انجام گیرد و منطبق با سطح توسعه پیشرفت خاص منطقه و به‌طور کلی مورد نیاز کشور نباشد، نمی‌تواند راه و روشی جدید را در بازاندیشی نظامهای آموزشی ارائه نماید.

مبانی نظری

جایگاه درسهای تعلیمات اجتماعی و جغرافیا در نظام مدرسه ای، میزان اهمیت آنها، اهداف این دروس در نظام آموزشی و چگونگی دستیابی به این اهداف، نیازمند توجه معلمان، مؤلفان و برنامه‌ریزان آموزشی است. آنان باید درس علوم اجتماعی را به روشی ارائه کنند که اشتیاق دانش آموزان را برانگیزانند و آنان را به مثابه شهروندی برای زندگی آینده با در نظر گرفتن ملاحظات

1. Lin

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.2.1.7]

فرهنگی جامعه آماده کنند. از این رو چگونگی آموزش و شیوه تدریس از اهمیت بسیار برخوردار است. همچنین ضرورت دارد فرهنگ- محوری بر نقش و اهمیت جایگاه مدرسه در زندگی فردی و اجتماعی ترجیح داده شود زیرا این موضوع تحولی عظیم در زندگی ما ایجاد خواهد کرد. گذشته از جایگاه مدرسه، فرهنگ حاکم بر جامعه نیز در این تجربه فردی کارساز است. بخشی از آشنایی ما از خانواده شروع می‌شود و به جامعه انتقال می‌یابد و از مدرسه الگوبرداری می‌شود، البته عکس این امر نیز صادق است. در آموزشهای فرهنگی و اجتماعی، محتوای برنامه درسی که بر اجزا و مؤلفه‌های مورد اشاره در آمـــوزش تأثیر گذارند، در خدمت زندگی انسانهای قرن بیست ویکم هستند. همین تاثیر گذاری بر آموزش و مؤلفه های جهانی نیز اثر می گذارد، از این رو نمی‌توان آموزش جهانی را منوط به یک یا دو درس کرد بلکه سایر دروس نیز در آموزش تأثیرگذار بوده و آنها نیز بر یکدیگر اثرگذارند. به این ترتیب تحلیل و تفسیر ما از آموزش این دو درس کاملاً متفاوت خواهد بود و رویکرد اجتماعی-فرهنگی را به همراه خواهد داشت. در تصمیماتی که در نظام آموزشی اتخاذ می‌شود باید هر جزء به مثابه یک کل درنظر شود. تنها از این طریق است که می‌توان هم مؤلفه‌های آموزش جهانی را در دروس تسری داد و هم نظام آموزشی را کارآمدتر ساخت. نگاه به محتوای یک یا چند کتاب در نظام آموزشی نمی تواند خواسته های یک جامعه رو به رشد ومترقی را پوشش دهد بلکه ضرورت دارد که محتوای همه کتابهای موردتدریس بررسی شوند. توجه به محتوای مواد آموزشی در نظام آموزشی اندیشه های فراگیر را نیز با ایده رفع نیاز جامعه فعال خواهد کرد تا در خدمت جامعه باشند. هرقدر تلاش کنیم بر کیفیت متون آموزشی و درسی بیفزاییم و آنها را تغییر دهیم یا در برنامه‌های درسی تحول ایجاد کنیم، باز نتایج حاصل آن گونه نخواهد بود که انتظار می‌رود زیرا تمام مؤلفه‌ها (حتی دیوار مدرسه و کتابها) در فرآیند یاددهی- یادگیری دانش آموزان تأثیر گذارند. گذشته از دروس کلاسیک مدرسه ای، مجموع این مؤلفه‌ها نیز بر آموزش افراد جامعه تأثیر می گذارند و شهروند جامعه را به‌سوی کلیت آموزش جهانی که الگوهای جهان درآن نهفته است، سوق می دهد. دراین آموزش رفتارها و قواعد و مناسبات گوناگون اجتماعی نیز به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم موثرند. دانش آموزان دروس تعلیمات اجتماعی و جغرافیا نیز باید آگاه شوند که زندگی مستقل و باکیفیت در قرن بیست و یکم مستلزم ذهن کنجکاو و پرسشگر است و زیستن به مثابه یک شهروند، نیازمند تلاش مضاعف است. از این رو آموزش و ارکان گوناگون جامعه، اعم از زندگی خانوادگی، زندگی اقتصادی، کسب و کار، مشارکت در تعیین سرنوشت جمعی، زندگی فرهنگی، شیوه‌های تولید و مصرف، فرهنگ هنر،

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.2.1.7]

زندگی تاریخی، شیوه تعامل با گذشته و حال، درک میراث فرهنگی، و تعامل با طبیعت و محیط زیست از اجزایی هستند که باید در زندگی اجتماعی لحاظ شوند.

هدف دروس تعلیمات اجتماعی و جغرافیا شکل دادن به تصور و تخیل اجتماعی دانش آموزان و شیوه‌های تحلیل و تفسیر زندگی اجتماعی آنهاست. تحقق بخشیدن به این اهداف و انتظارات، نیازمند کسب بینش و دانش و مهارتهای کافی و مناسب است. هرچند تحقق یافتن این امر با دشواریهایی نیز روبه روست که رفع آنها نیازمند دانش بسیار توسعه یافته، پیچیده، ظریف و غنی است، لیکن این کار میسر نمی‌شود مگر اینکه دست اندرکاران آموزش به‌ویژه معلمان تعلیمات اجتماعی و جغرافیا بتوانند این دروس را با موفقیت نسبی به دانش آموزان ارائه کنند. همه ما می‌دانیم که با روشهای انتقال اطلاعات و تکیه بر آموزش حافظه- محور نمی‌توانیم چیزی را به دانش آموزان آموزش دهیم. معلم تنها یکی از عوامل تأثیرگذار در فرآیند یادگیری – یاددهی است و باید به‌خاطر داشته باشیم که چیزهایی که در دوران مدرسه از دوستان و همکلاسان خود فرا گرفته ایم در شکل‌گیری تخیل ما بسیار تعیین کننده بوده اند. تجربه‌های مدرسه بسیار تأثیرگذارتر از امتحانات مدرسه یا کتابهای درسی بوده اند. شایان ذکر است که آموزش زمانی اتفاق می افتد که دانش آموز نه تنها از لحاظ عقلی و شناختی بلکه از لحاظ عاطفی و احساسی درگیر آموزش شود و وجوه عاطفی و رفتاری در کنار وجوه عقلانی و شناختی همزمان رشد کنند. روشن است که دانش‌آموزان ضمن آنکه به محتوای یک درس توجه دارند در پی محتوای جذاب و لذت بخش برای رفع نیاز خود و جامعه نیز هستند. گفتنی است که شیرینی و تلخی آموزش بستگی به نگرش و ذهنیت دانش آموز برای موفقیت در آموزش تعلیمات اجتماعی و جغرافیا دارد. علاوه بر اصلاح ذهنیت جمعی و تحول در محتوای دروس، تحول در بصری ساختن این دروس ضروری است. تعلیمات اجتماعی را به شکل تجربه ای اجتماعی به دانش آموزان آموزش دهیم، یعنی از همه حواس دانش آموزان در تجربه های اجتماعی بهره‌بگیریم. همچنین به منظور شناخت طبیعت پیرامونی و وجودی فرد در درس جغرافیا از قوه لامسه نیز استفاده کنیم. در آموزش تعلیمات اجتماعی و جغرافیا نباید از تماس رو در روی همه جانبه و تعامل چشم‌پوشی کنیم، بلکه باید برای دانش آموزان شرایط و امکانات آزمایشگاههای اجتماعی متعدد را فراهم کنیم. آموزش جهانی، آموزش را تلاش برای ایجاد تغییر در روشها و موقعیت اجتماعی تعلیم وتربیت به منظور آماده کردن بهتر فراگیران برای شهروندی در عصر کنونی تعریف می‌کند. تعیین اهداف برنامه در مؤلفه‌های آموزش جهانی به منظور یادگیری تواناییها و مهارتهای لازم برای زیستن در جهان متغیر

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.2.1.7]

و متنوع است، زیرا هدف اصلی از مؤلفه‌های آموزش جهانی، اصلاح نگرش یادگیرندگان نسبت به درهم تنیدگی وقایع، نظامها، فرهنگها، جوامع و مؤلفه‌های زندگی است. مطالعات اجتماعی سهولت بخشیدن معلم به آموزش و انتقال دانش و مهارتها و آموزه‌های اجتماعی به جامعه دانش آموزان است.

در برنامه های آموزشی خصوصاً در سازمانهای بین المللی از جمله یونسکو آموزشهای پایه تعریف شده است که به شکلی یکپارچه به اجرا گذاشته می‌شود. با توجه به شرایط جغرافیایی و موقعیت ژئوپلتیکی کشور، بر آن شدیم تا موضوع آموزش جهانی را با متمرکز بر بررسی مؤلفه‌های آن و به‌کارگیری مفاهیم و کاربردی کردن آنها در برنامه‌های درسی دوره اول متوسطه به چالش بکشیم. باید در عرصه جهانی تلاش کنیم و نقش خود را در جهان رو به ترقی و پیشرفت پررنگ ایفا نماییم. اگر این کار با همسویی با جامعه بین الملل صورت نگیرد یک خلاء بسیار تأثیر گذار در آموزش و پرورش کشور به‌وجود خواهد آمد و همگام نشدن با جهان و بی‌تفاوتی نسبت به این هدف ما را در جهان امروز با چالشهای بسیار مواجه کرده و مشکلاتی برای نسلهای آینده در پی خواهد داشت.

هدف پژوهش حاضر بررسی اهداف فرهنگی و مؤلفه‌های آموزش جهانی در کتابهای مطالعات اجتماعی و جغرافیا و به طور ویژه شناسایی مؤلفه‌های ۱. آگاهی از نظامها ۲. آگاهی از چشم انداز ۳. مسئولیت پذیری و ۴. ذهنیت فرآیندی است.

تعریف عملیاتی

در این پژوهش از نمون برگ (چک لیست) محقق ساخته ۲۰ سؤالی که بر اساس ادبیات تحقیق و مبانی نظری تهیه شده، استفاده شده است. در این نمون برگ سؤالات ۱ تا ۵ به مؤلفه آگاهی از نظامها، ۶ تا ۱۰ به مؤلفه چشم انداز، ۱۱ تا ۱۵ به مؤلفه مسئولیت پذیری و ۱۶ تا ۲۰ به ذهنیت فرآیندی اختصاص داده شده است.

الف) آگاهی از نظامها و سیستمها: به معنای شناخت نظام مند جهان، نهادهای اجتماعی و نیز درک نظام مند بودن قابلیتهای خویشتن تلقی می‌شود.

ب) آگاهی از چشم اندازها: به معنای شناخت دیدگاههای گوناگون و درک تفاوت میان دیدگاه خود و دیگران است.

ج) آگاهی از مسئولیت پذیری: به معنای آگاهی از عواقب و اعمال و تصمیمهای خود و نیز آمادگی سیاسی و اجتماعی در راستای مشارکت مؤثر و مسئولانه است.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.2.1.7]

د) ذهنیت فرآیندی: به معنای توجه به فرآیندهای پیوسته یادگیری و نفی غایتها و نقطه‌های پایانی و ثابت برای یادگیری است.

روش پژوهش

تحلیل محتوا فنی است که توصیفهای ذهنی و تخمینی را تلطیف و تصفیه می‌کند و ماهیت و قدرت نسبی محرکهایی را که به شخص داده می‌شود، به‌صورت عینی آشکار می سازد. در پژوهش حاضر روش تحلیل فرهنگی محتوا به کار گرفته شده و جامعه آماری کتابهای درسی مورد تدریس در سال ۹۳-۱۳۹۲ بوده است. نمونه کتابهای مطالعات اجتماعی و جغرافیا به‌صورت نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده زیرا کل جامعه آماری برابر با نمونه آماری است. ابزار پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته است که روایی آن را متخصصان ذی‌ربط بررسی کرده اند. پایایی این پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ محاسبه شده است. پژوهشگر پس از تهیه و استانداردسازی پرسشنامه، آن را در اختیار کارشناسان مربوطه قرار داده و ضریب پایایی پرسشنامه سنجیده شده و مورد محاسبه و ملاک قرار گرفته است. داده‌های به دست آمده با روش آمار توصیفی و استنباطی (آزمون خی دو) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است .

یافته های پژوهش

سؤال اول: میان فراوانی مؤلفهٔ آگاهی از نظامها در کتابهای مطالعات اجتماعی و جغرافیا از لحاظ فرهنگی تفاوتی معنادار وجود ندارد.

جدول ۱. فراوانی مؤلفهٔ آگاهی از نظامها

مؤلفه	کتابها	فراوانی مورد مشاهده (O)	فراوانی درصدی	فراوانی مورد انتظار (E)
آگاهی از نظامها	مطالعات اجتماعی	۱۷	۲۹	۱۹
	جغرافیا	۴۱	۷۱	۱۹
	کل	۵۸	۱۰۰	۳۸

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.2.1.7]

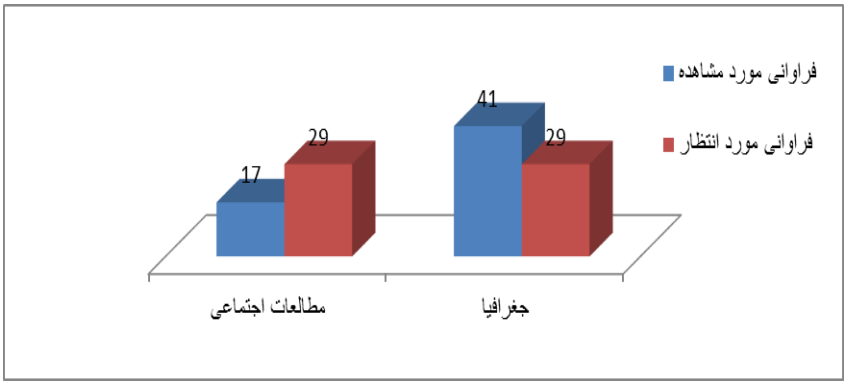

نمودار ۱. فراوانی مؤلفهٔ آگاهی از نظامها

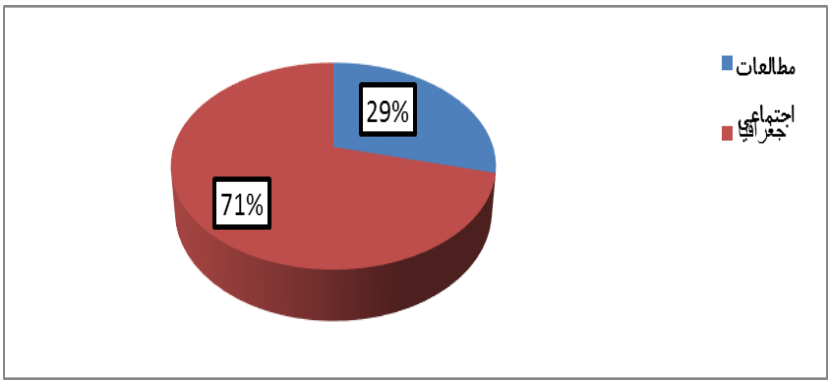

نمودار ۲. فراوانی مؤلفهٔ آگاهی از نظامها

آنچه که از نتایج جدول شماره ۱ محاسبه شده (۹/۳۱) از ارزش بحرانی خی دو (۶/۶۳) با درجه آزادی ۱ و سطح معناداری ۰/۰۱ بزرگتر است. بنابراین فرض صفر رد می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که میان فراوانی مورد مشاهده و فراوانی مورد انتظار مؤلفه آگاهی از نظامها در کتابهای مطالعات اجتماعی و جغرافیا تفاوت معنادار وجود دارد. یعنی براساس یافته‌های پژوهش مؤلفه آگاهی از نظامها در کتاب جغرافیا به نسبت کتاب مطالعات اجتماعی از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است.

براساس نمودار شماره ۱ و ۲ شاخصه‌های آمار توصیفی متغیرهای مورد بررسی در هر دو کتاب مطالعات اجتماعی و جغرافیا به این شرح بوده است. از میان ۵۸ مورد بررسی شده، فراوانی مورد مشاهده در کتاب جغرافیا ۴۱ مورد و فراوانی مورد انتظار ۲۹ با درصد ۷۱ بوده است، در حالی‌که در کتاب مطالعات اجتماعی فراوانی مورد انتظار ۲۹ و فراوانی مورد مشاهده ۱۷ با درصد ۲۹ بوده

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.2.1.7]

است. به این معنا که از ۵۸ مورد فراوانی مورد مشاهده تعداد ۱۷ مورد در کتاب مطالعات اجتماعی و ۴۱ مورد درکتاب جغرافیا ذکر شده است و فراوانی مورد انتظار در هر دو به یک میزان یعنی ۲۹ تکرار شده است. بنابراین تحلیل مؤلفه آگاهی از نظامها در هردو کتاب نشان می‌دهد آنچه مورد انتظار بوده تقریباً اهداف پژوهش ما را تامین کرده است، در حالی که فراوانی موردمشاهده در کتاب جغرافیا به نسبت کتاب مطالعات اجتماعی با درصد ۷۱ و ۲۹ همراه بوده است که در محتوای کتاب جغرافیا این مؤلفه بیشتر چشمگیر است.

سؤال دوم: میان فراوانی مؤلفهٔ آگاهی از چشم‌انداز در کتابهای مطالعات اجتماعی و جغرافیا از لحاظ فرهنگی تفاوت معنادار وجود ندارد.

جدول ۲. مؤلفهٔ آگاهی از چشم انداز

مؤلفه	کتابها	فراوانی مورد مشاهده (O)	فراوانی درصدی	فراوانی مورد انتظار (E)
آگاهی از چشم‌انداز	مطالعات اجتماعی	۲۲	۳۵	۳۱
	جغرافیا	۴۰	۶۵	۳۱
	کل	۶۲	۱۰۰	۶۲

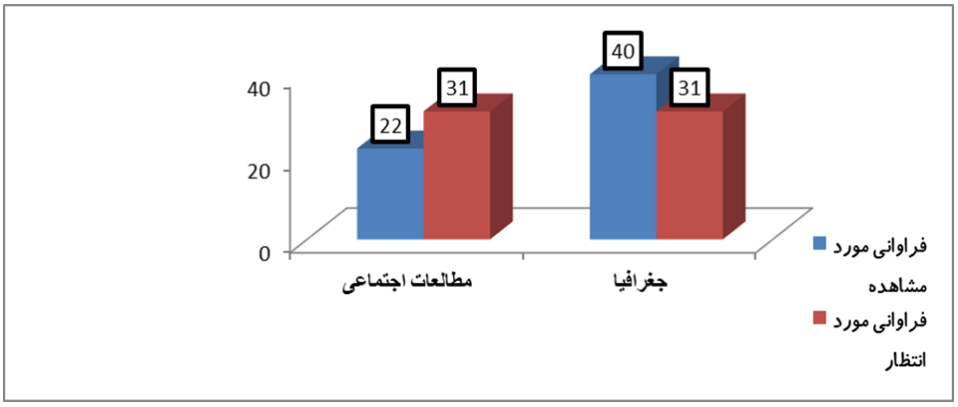

نمودار ۳. مؤلفهٔ آگاهی ازچشم انداز

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.2.1.7]

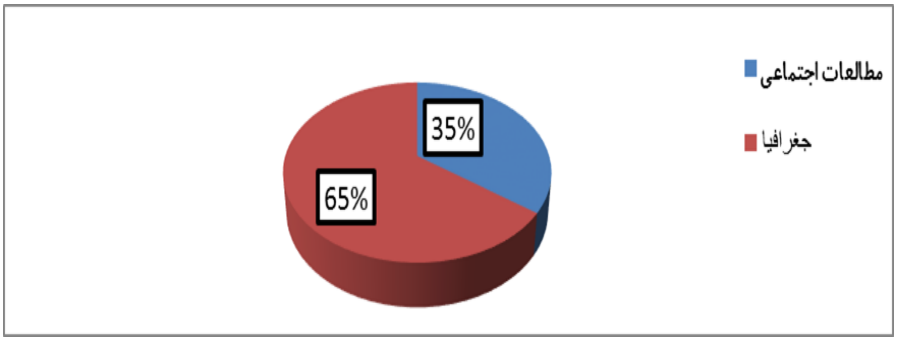

نمودار ۴. مؤلفهٔ آگاهی از چشم انداز

آنچه از نتایج جدول شماره ۲ محاسبه شده (۵/۲۲) از ارزش بحرانی خی دو (۳/۸۴)با درجه آزادی ۱ و سطح معناداری ۰/۰۵ بزرگتر است. بنابراین فرض صفر رد می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که میان فراوانی مورد مشاهده و فراوانی مورد انتظار مؤلفه آگاهی از چشم انداز در کتابهای مطالعات اجتماعی وجغرافیا تفاوت معنادار وجود دارد. یعنی بر اساس یافته‌های پژوهش مؤلفه آگاهی از چشم انداز در کتاب جغرافیا نسبت به کتاب مطالعات اجتماعی از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است.

در نمودار ۳ و ۴ شاخصه‌های آمار توصیفی متغیرهای مورد بررسی در هر دو کتاب مطالعات اجتماعی و جغرافیا به این شرح بوده است: از میان ۶۲ مورد بررسی شده، فراوانی مورد مشاهده در کتاب جغرافیا ۴۰ مورد و فراوانی مورد انتظار۳۱ تقریباً با درصد ۶۵ بوده است، در حالی‌که در کتاب مطالعات اجتماعی فراوانی مورد مشاهده ۲۲ و فراوانی مورد انتظار ۳۱ بوده که با ۳۵ درصد فراوانی همراه بوده است. به این معنا که از ۶۲ مورد بررسی شده در کتاب مطالعات اجتماعی ۲۲ مورد و در کتاب جغرافیا ۴۰ مورد مشاهده و فراوانی مورد انتظار نیز به ترتیب ۳۱ و ۳۱ بوده است که فراوانی یکسانی تکرار شده است. بنابراین تحلیل مؤلفه آگاهی از چشم انداز در کتابهای مطالعات اجتماعی و جغرافیا نشان می‌دهد فراوانی مورد مشاهده در کتاب جغرافیا به نسبت فراوانی مورد انتظار بیشتر بوده است در حالی‌که در کتاب مطالعات اجتماعی فراوانی مورد مشاهده یعنی ۲۲ از حد فراوانی مورد انتظار کمتر بوده است.

سؤال سوم: میان فراوانی مؤلفهٔ مسئولیت‌پذیری در کتابهای مطالعات اجتماعی و جغرافیا از لحاظ فرهنگی تفاوت معنادار وجود ندارد.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.2.1.7]

جدول ۳. مؤلفهٔ مسئولیت پذیری

مؤلفه	کتابها	فراوانی مورد مشاهده (O)	فراوانی درصدی	فراوانی مورد انتظار (E)
مسئولیت‌پذیری	مطالعات اجتماعی	۱۰	۳۳	۱۵
	جغرافیا	۲۰	۶۷	۱۵
	کل	۳۰	۱۰۰	۳۰

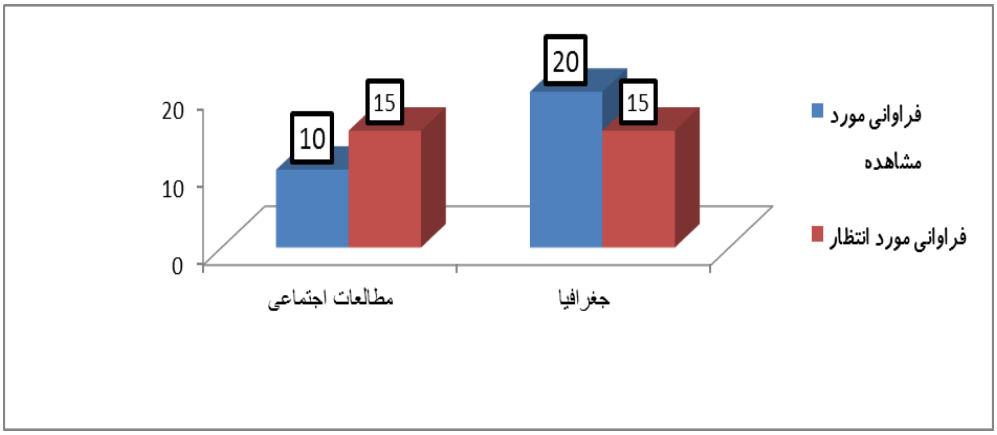

نمودار ۵. مؤلفه مسئولیت پذیری

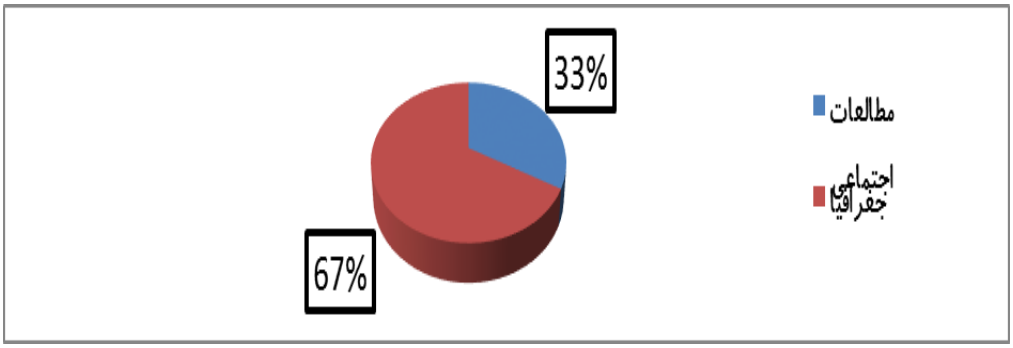

نمودار ۶. مؤلفه مسئولیت پذیری

آنچه از نتایج جدول ۳ محاسبه شده (۳/۳) از ارزش بحرانی خی دو (۳/۸۴)با درجه آزادی ۱ و سطح معناداری ۰/۰۵ کوچک تر است. بنابراین فرض صفر تایید می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که میان فراوانی مورد مشاهده و فراوانی مورد انتظار مؤلفهٔ مسئولیت پذیری در کتابهای مطالعات

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.2.1.7]

اجتماعی وجغرافیا تفاوت معنادار وجود ندارد. یعنی بر اساس یافته‌های پژوهش مؤلفهٔ مسئولیت پذیری در هر دو کتاب از اهمیتی یکسان برخوردار است.

در نمودار ۵ و ۶ شاخصه‌های آمار توصیفی متغیرهای مورد بررسی در هر دو کتاب مطالعات اجتماعی و جغرافیا به این شرح بوده است: از میان ۳۰ مورد بررسی شده، فراوانی مورد مشاهده در کتاب جغرافیا ۲۰ مورد و فراوانی مورد انتظار ۱۵ تقریباً با ۶۷ درصد فراوانی همراه بوده است، در حالی‌که در کتاب مطالعات اجتماعی فراوانی مورد مشاهده ۱۰ و فراوانی مورد انتظار ۱۵ است که با ۳۳ درصد فراوانی همراه بوده است. به این معنا که در هر دو کتاب فراوانی مورد انتظار به یک اندازه تکرار شده است، اما فراوانی مورد مشاهده کتاب جغرافیا به نسبت کتاب مطالعات اجتماعی نشان می‌دهد مؤلفهٔ مسئولیت پذیری بیشتر در این کتاب آورده شده است.

سؤال چهارم: میان فراوانی مؤلفهٔ ذهنیت فرآیندی در کتابهای مطالعات اجتماعی و جغرافیا از لحاظ فرهنگی تفاوت معنادار وجود ندارد.

جدول ۴. مؤلفهٔ ذهنیت فرآیندی

مؤلفه	کتابها	فراوانی مورد مشاهده (O)	فراوانی درصدی	فراوانی مورد انتظار (E)
ذهنیت فرآیندی	مطالعات اجتماعی	۱۵	۳۹	۱۹
	جغرافیا	۲۳	۶۱	۱۹
	کل	۳۸	۱۰۰	۳۸

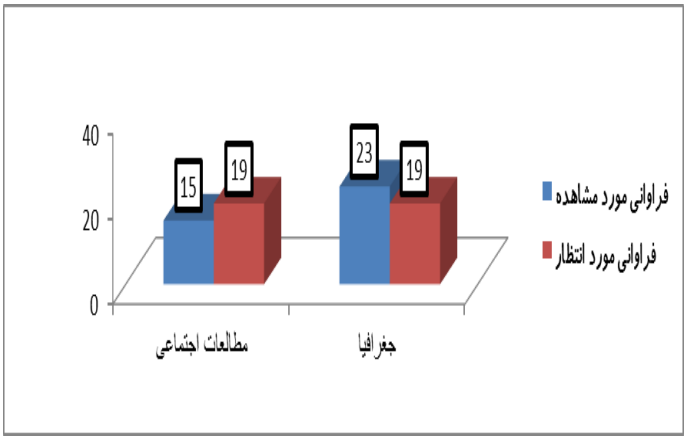

نمودار ۷. مؤلفهٔ ذهنیت فرآیندی

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.2.1.7]

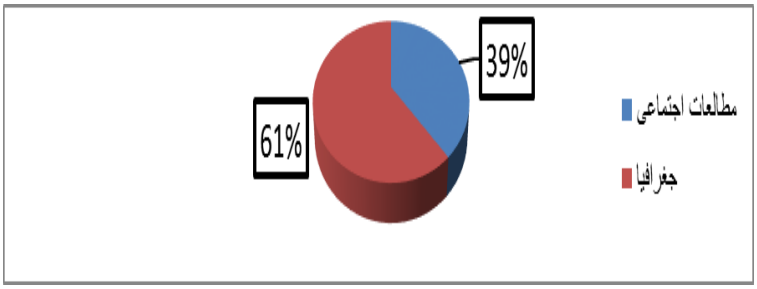

نمودار ۸. مؤلفهٔ ذهنیت فرآیندی

آنچه از نتایج جدول ۴محاسبه شده (۱/۶۴) از ارزش بحرانی خی دو (۳/۸۴)با درجه آزادی ۱ و سطح معناداری ۰/۰۵ کوچک تر است. بنابراین فرض صفر تایید می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که میان فراوانی مورد مشاهده و فراوانی مورد انتظار مؤلفهٔ ذهنیت فرآیندی در کتابهای مطالعات اجتماعی وجغرافیا تفاوت معنادار وجود ندارد. یعنی براساس یافته‌های پژوهش مؤلفهٔ مسئولیت پذیری در هر دو کتاب از اهمیتی یکسان برخوردار است.

براساس نمودارهای ۷ و ۸ شاخصه‌های آمار توصیفی متغیرهای مورد بررسی در هر دو کتاب مطالعات اجتماعی و جغرافیا عبارت اند از: از میان ۳۸ مورد بررسی شده، فراوانی مورد مشاهده در کتاب جغرافیا ۲۳ مورد و فراوانی مورد انتظار ۱۹تقریباً با ۶۱ درصد در کتاب مطالعات اجتماعی بوده است، در حالی که در کتاب مطالعات اجتماعی فراوانی مورد مشاهده ۱۵ و فراوانی مورد انتظار ۱۹ است که با ۳۹ درصد فراوانی همراه بوده است. البته در هر دو کتاب به یک میزان فراوانی مورد انتظار تکرار شده که حاکی از اهمیت به مؤلفه ذهنیت فرآیندی است.

سؤال اول: تا چه اندازه به مؤلفه آگاهی از نظامها در کتابهای مطـــالعات اجتماعی و جغرافیا از لحاظ فرهنگی در دوره اول متوسطه پرداخته شده است؟

میان فراوانی مؤلفهٔ آگاهی از نظـامها در کتابهای مطالعات اجتماعی و جغرافیا از لحاظ فرهنگی تفاوت معنادار وجود دارد.

جدول ۵. شاخصه‌های آمار استنباطی برای محاسبه آزمون خی دو، مؤلفه آگاهی از نظامها

مؤلفه	کتابها	درجه آزادی	خی دو	سطح معناداری	نتیجه
آگاهی از نظامها	مطالعات اجتماعی	۱	۹/۳۱	P> ۰/۰۵	رد فرض صفر
	جغرافیا				

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.2.1.7]

سؤال دوم: تا چه اندازه به مؤلفه آگاهی از چشم انداز در کتابهای مطـــالعات اجتماعی وجغرافیا از لحاظ فرهنگی در دوره اول متوسطه پرداخته شده است؟

میان فراوانی مؤلفهٔ آگاهی از چشم‌انداز در کتابهای مطالعات اجتماعی و جغرافیا از لحاظ فرهنگی تفاوت معنادار وجود دارد.

جدول ۶. شاخصه‌های آمار استنباطی برای محاسبه آزمون خی دو، مؤلفه آگاهی از چشم انداز

مؤلفه	کتابها	درجه آزادی	خی دو	سطح معناداری	نتیجه
آگاهی از چشم انداز	مطالعات اجتماعی جغرافیا	۱	۵/۲۲	P> ۰/۰۵	رد فرض صفر

سؤال سوم: تا چه اندازه به مؤلفه مسئولیت پذیری در کتابهای مطالعات اجتماعی و جغرافیا از لحاظ فرهنگی در دوره اول متوسطه پرداخته شده است؟

میان فراوانی مؤلفهٔ مسئولیت پذیری در کتابهای مطالعات اجتماعی و جغرافیا از لحاظ فرهنگی تفاوت معنادار وجود ندارد.

جدول ۷. شاخصه‌های آمار استنباطی برای محاسبه آزمون خی دو، مؤلفه مسئولیت پذیری

مؤلفه	کتابها	درجه آزادی	خی دو	سطح معناداری	نتیجه
مسئولیت پذیری	مطالعات اجتماعی جغرافیا	۱	۳/۳	P> ۰/۰۵	تایید فرض صفر

سؤال چهارم: تاچه اندازه به مؤلفه ذهنیت فرآیندی در کتابهای مطـــالعات اجتماعی و جغرافیا از لحاظ فرهنگی در دوره اول متوسطه پرداخته شده است؟

میان فراوانی مؤلفهٔ ذهنیت فرآیندی در کتابهای مطالعات اجتماعی و جغرافیا از لحاظ فرهنگی تفاوت معنادار وجود ندارد.

جدول ۸. شاخصه‌های آمار استنباطی برای محاسبه آزمون خی دو، مؤلفه ذهنیت فرآیندی

مؤلفه	کتابها	درجه آزادی	خی دو	سطح معناداری	نتیجه
ذهنیت فرآیندی	مطالعات اجتماعی جغرافیا	۱	۱/۶۴	P> ۰/۰۵	تایید فرض صفر

بحث و نتیجه گیری

محتوای کتابهای جغرافیا و مطالعات اجتماعی از نظر کیفی بیشتر با مؤلفه‌های آموزش جهانی تطابق دارند، اما مهم ترین مانع در اجرای برنامه‌های درسی اعمال سلیقه در آنهاست. با توجه به

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.2.1.7]

نتایج پژوهش باید توجه کرد که محتوای کتابهای مورد پژوهش به سطوح جامعه تسری یابد. یعنی دانش آموزان اندوخته های محتوای کتابهای مورد پژوهش را فرا گیرند و آنچه را آموخته اند بتوانند به کار بندند و برای برقراری ارتباط درجامعه از آنها استفاده کنند. تلاش هر انسان برای بهبود وضعیت آموزش و فرآیند یاددهی- یادگیری نیز از همین مؤلفه‌های آموزش جهانی سرچشمه می‌گیرد که ما چهار مؤلفه را برگزیده و مد نظر قرار داده ایم. در دیدگاههای مشترک باید نوعی همفکری اساسی از جوانب گوناگون مد نظر گرفته شود تا دیوارهای محدود علم و دانش در دهه‌های اولیه آموزش شکسته شوند و همه افراد برای پیشی گرفتن از یکدیگر به اندوخته‌های جدیدی روی آورند، به طوری که جامعه و نظام آموزشی با یکدیگر با موفقیت همراه شوند و بتوانند خود را با سرعت پیشرفت علم و دانش وفق دهند. دست اندرکاران نظام آموزشی باید نقاط قوت را در محتوای کتابهای درسی بگنجانند و نقاط ضعف را نیز برطرف سازند تا دانش آموزان با اندوخته علمی مؤثر تربیت و رشد یابند. این موارد می‌توانند در تصمیم گیری بر اساس نتایج پژوهش حاضر و اهداف آن بسیار اثرگذار باشند. مؤلفه‌های مورد بررسی نیز در همین زمینه به تفکیک بیان شده اند. بر اساس این مؤلفه‌ها یادگیرنده باید آگاه باشد و اعمال فردی وی در هر مکان و زمانی با احساس مسئولیت همراه باشد.

اهمیت این مؤلفه‌ها هنگامی بیشتر آشکار می‌شود که با تعهد اخلاقی و انسانی به موضوع بنگریم. تاکید بر اهمیت مؤلفه ها ، نشان می دهد که آیا فراگیر توانسته است مؤلفه های آموزش جهانی را به جامعه که نگاه و بینش جهانی دارد، انتقال دهد یا نه. همین امر سبب می شود که نسلها در قبال اعمال و تصمیم گیریهایشان متعهد باشند و همه را در قبال این حق و حقوق موظف کنند. با این نگرش و به‌کارگیری دیدگاهها و مؤلفه‌های جهانی و نیز دستیابی به آگاهی در مؤلفه‌های نظامها، چشم انداز، مسئولیت پذیری و ذهنیت فرآیندی و به‌کارگیری صحیح این مفاهیم، ما را به سمت و سوی نگاه فرامنطقه ای و فراملی سوق می‌دهد. بنابراین برنامه‌ریزی آموزشی باید با نگاه جهانی و با بهره جستن از نقاط قوت و تقلیل نقاط ضعف و براساس چشم انداز واقع بینانه انجام شود. از این طریق نظام آموزشی رو به بهبود خواهد رفت و دیگر دغدغه‌های حاضر را در دور بودن از واقعیتهای آموزشی نخواهیم داشت.

در آموزش مبتنی بر نگاه جهانی، آموزش نسل جدید نیازمند داشتن معلمانی فرهیخته خواهد بود. اختلاف دانش میان معلم و دانش آموز با دیدی مثبت اندیشانه می‌تواند به یادگیری کمک کند. البته معلم می‌تواند با به‌کارگیری اصول و روشهای معقول و منطقی در کنار احساس مسئولیت و با

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.2.1.7]

درنظر گرفتن جوانب گوناگون، دانش آموزانی مفید تربیت کند. تحولات جدید مبتنی بر نگاه جهانی شیوه‌های قدیمی آموزش را به‌طور جدی به چالش می‌کشد و این چالشها نیز در مورد تحول در نظام آموزشی است. اهداف و برنامه‌های آموزشی در محتوای کتابهای مورد پژوهش بانگاه به مؤلفه های آموزش جهانی توصیف شده است تا دیدگاه جهانی بر نظام آموزشی ما نیز تسری یابد و این موارد در چهار مؤلفه بیان شده است.

پیشنهادهای پژوهشی

بر اساس یافته‌های این پژوهش پیشنهاد می‌شود که مؤلفه آگاهی از نظامها به لحاظ اهمیت فرهنگ به سایر کتابها نیز تسری یابد. تا جایی که امکان پذیر است اهداف مرتبط با این مؤلفه در کتابهای گوناگون گنجانده شود و دانش آموزان با درکی درست از توانمندیهای خود و پایبندی بر اصول خویشتن دراین راه گام بردارند و مسائل ومحتوای آموزشی را در این مؤلفه ها که با دیدگاه جهانی بررسی شده اند به سایر کتابهای غیر از مورد پژوهش نیز تسری دهند که این یک نگاه فرا ملی خواهد بود.

همچنین به مؤلفه آگاهی از چشم انداز در کتابهای مطالعات اجتماعی و جغرافیا از لحاظ فرهنگی در دوره اول متوسطه پرداخته شده است. بنابراین پیشنهاد می‌شود در محتوای کتابهای دیگر به طور واقع بینانه به این مؤلفه پرداخته شود و با نگاه فراگیر مورد بررسی قرار گیرند. البته لحاظ کردن صِرف این مؤلفه بدون توجه به اصل دیدگاه که منظور نظر ماست، نمی‌تواند کارساز باشد. درصورتی که بررسی مؤلفه های جهانی متناسب با نگاه جهانی انجام گیرند بسیار تاثیرگذار خواهد بود.

به مؤلفه مسئولیت پذیری نیز همانند سایر مؤلفه‌ها درکتابهای مطالعات اجتماعی و جغرافیا از لحاظ فرهنگی در دوره اول متوسطه پرداخته شده است. بر این اساس، یادگیرنده باید آگاه باشد که انتخابها و اعمال فردی و جمعی در هر مکان و زمان برای یادگیرنده عواقبی در حال و آینده جامعه و جهان خواهد داشت و او باید در قبال آن احساس مسئولیت کند. درزمینه ذهنیت فرآیندی، دانش به صورت مستمر و پیوسته موجب شکوفا شدن ایده های ذهنی دریادگیری دانش آموزان می‌شود و اگر این ذهنیت با پیوستگی موضوع همراه شود می تواند بخشی از فرآیندی ذهنی را در یک امر خاص را به دلیل پیوستگی علمی رقم بزند. اگر پیوستگی درفرآیند نباشد موضوع گسسته بوده وبه نتیجه نخواهد رسید. پیشنهاد موردی این است که متناسب با استعدادهای ذهنی هر دانش آموز با توجه به علاقه مندی خاص او این فرآیند شکل بگیرد و در حکم یک شیوه نوین آموزشی به کار گرفته شود.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.2.1.7]

منابع

حکیم زاده، رضوان. (۱۳۸۵). *بررسی مبانی فلسفی برنامه آموزش جهانی و میزان همخوانی اهداف و محتوای کتاب‌های درسی دوره راهنمایی با اهداف و مفاهیم کلیدی این برنامه*. رساله دکتری رشته مطالعات برنامه درسی، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تربیت معلم.

درانی، کمال. (۱۳۸۴). مدرسه آینده در آینده نگری نظم نوین جهانی. در *مجموعه مقالات اولین همایش ملی جهانی شدن و تعلیم وتربیت*. تهران: وزارت امورخارجه.

ضرغامی، سعید. (۱۳۸۹). بررسی مبانی نظری و اهداف برنامه درسی آموزش جهانی تحول گرا. *فصلنامه پژوهشهای تربیتی*،

_____ (۱۳۸۹). ساخت شکنی جهانی شدن در برنامه های درسی با نظر به اندیشه دریدا. *فصلنامه مطالعات برنامه درسی*، ۴(۱۵)، ۱-۲۳.

علم الهدی، جمیله. (۱۳۸۳). *بررسی مبانی نظری برنامه آموزش جهانی*. دفتر برنامه ریزی و تالیف کتب درسی، وزارت آموزش و پرورش.

_____ (۱۳۸۵). *مبانی نظری آموزش جهانی*. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

هوانسیان، گرتا. (۱۳۹۰). راه حقیقت. اهمیت و ضرورت، سند تحول بنیادین در آموزش وپرورش درافق، ۱۴۰۴

Alladin, I. (1989).Teaching for global awareness. *ATA Magazine*, *69*(4), 6-11.

Fujikan, H. (2003). Approaches to global education in the United States, the United Kingdom and Japan. *International Review of Education*, Kluwer Academic Publishers.

Lin, J. (2006). *Love, peace and wisdom in education: Transforming education for peace.* Lanham, MD: Rowman & Littlefield Publishing Group.

Tye, K. (2003). Globalizing global education to nurture world citizens. *The Education Digest*, *69*(4), 18-23.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.2.1.7]